

زیر آسمان فیروزمای

سینماگران زن ایران در راه نیویورک

● **شرق:** «کنفرانس جهانی سینمای زنان» با حضور تعدادی از سینماگران زن ایرانی ۱۸ سپتامبر (۲۷شهریور) در نیویورک افتتاح می‌شود. در این کنفرانس که با نمایش فیلم «آینه‌های روبه‌رو» به کارگردانی «نگار آذربایجانی» و تهیه‌کنندگی فرشته طائرپور، روز ۱۸ سپتامبر (۲۷شهریور) افتتاح می‌شود، نیکی کریمی، فرشته طائرپور، نگار آذربایجانی، غزل شاکری و سمیه قاضی‌زاده از سینمای ایران حضور دارند. بعد از نمایش فیلم، علاوه بر کارگردان و تهیه‌کننده، غزل شاکری (یکی از بازیگران اصلی فیلم) نیز در جلسه گفت‌وگو با تماشاگران شرکت خواهد کرد و به سوالات حاضران در مورد ساخت این فیلم پاسخ خواهد داد. فیلم «سوت پایان» ساخته نیکی کریمی نیز در آخرین‌روز این رویداد سینمایی- تحقیقاتی، به‌عنوان برنامه اختتامیه به نمایش درخواهد آمد و در جلسه نقد و بررسی آن علاوهبر کارگردان، فرشته طائرپور نیز حضور خواهد داشت. سمیه قاضی‌زاده، از منتقدان سینمای ایران نیز در این کنفرانس مقالهای تحت عنوان نقش سیاسی اجتماعی دو سینماگر زن؛ رختان بنی‌اعتماد و تهیمنه میلانی» را قرائت خواهد کرد. نمایش فیلم سینمایی «خیابان تله» ساخته ویوین کیو از چین و مستند کوتاهی از پشت صحنه «آینه‌های روبه‌رو» نیز از دیگر فیلم‌های این کنفرانس خواهند بود. فیلمسازان، استادان و کارشناسانی از کشورهایی همچون استرالیا، کانادا، آرژانتین، چین، آلمان، یونان، هند، ایتالیا، نیوزلند، کره‌جنوبی، ترکیه و آمریکا در این کنفرانس حضور خواهند داشت. از چهره‌های شاخصی که در این کنفرانس سخنرانی خواهند داشت می‌توان به «ریچارد آلن» از دانشگاه نیویورک، «جین گینیس» از دانشگاه کلمبیا و «دبیزایبرمن» مدیر موسسه بین‌المللی «زنان فیلم می‌سازند» اشاره کرد. کنفرانس جهانی سینمای زنان که مدیریت آن را خانم «الیزابت کاپلان» و همکاری «آن بریوس» برعهده دارند، توسط موسسه علوم انسانی دانشگاه ستونی بروک در نیویورک برگزار می‌شود. این موسسه اخیرا تحقیقاتی را تحت عنوان «زنان و سینما»، در همکاری با دانشگاه رم و جمعی از فیلمسازان و استادان ۱۱ کشور دیگر، در دستور کار خود قرار داده است. اولین دور این کنفرانس سال گذشته در دانشگاه رم تشکیل شد و دوره‌های بعدی آن در کشورهای کانادا، ترکیه و آرژانتین برگزار خواهد شد.

نقد پرستویی به کارگردانان بزرگ ایران

بعد از ۴۵ سال بازیگری هنوز عطش تجربه دارم

● **شرق:** فیلم «شب، بیرون» به کارگردانی کاوه سجادی حسینی و تهیه‌کنندگی پرویز پرستویی در شصت‌وچهارمین برنامه سینماک خانه هنرمندان ایران به نمایش درآمد و سپس با حضور کارگردان و تهیه‌کننده مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در ابتدای این نشست، کاوه سجادی حسینی، کارگردان فیلم «شب،بیرون» درباره ساخت این فیلم گفت: بعد از چندسال که نتوانستم فیلم بسازم، تصمیم گرفتم فیلمی با هزینه کم و باداستانی ساده بسازم. این قصه از سال۸۸ در ذهن من بود و کم‌کم شکل گرفت تا اواخر سال ۹۱ که شروع به نوشتن آن کردم و تابستان ۹۲ ساخت این فیلم را با کمک دوستان خوبم شروع کردم. در نهایت هم آقای پرستویی تهیه‌کنندگی این فیلم را قبول کردند. پرویز پرستویی هم با بیان اینکه بعد از ۴۵سال تجربه بازیگری همچنان عطش تجربه‌کردن دارم، گفت: احساس می‌کنم لذتی که در کار کردن با این نسل می‌برم شاید در کار کردن بانسل‌های پیش‌تر نمی‌بردم. شما دیده‌اید که نسل جوان در سال‌های اخیر چه در سینما و فیلمسازی و چه در جامعه چقدر تاثیرگذار بوده است. به‌عنوان مثال دیده‌اید که حضور یا عدم حضورشان در انتخابات چقدر تاثیرگذار بوده است. برای همین احساس کردم نسل جدید خیلی پویاتر و به‌روزتر حرکت می‌کند. خود من آن حسی را که باید از نسل خودم بگیرم دیگر نمی‌گیرم. نسل جوان خیلی به‌محنتا حرکت می‌کند و کارهایشان هم به‌لحاظ تکنیکی پیشرو است. احساس می‌کنم کارگردانان بزرگ سینمای ایران هنوز به عمق بازیگری من نرسیده‌اند. هنوز چیزهایی در خودم می‌بینم که می‌توانم تلاشی برای خلق یک نقش متفاوت داشته باشم، ولی در کدام قصه و کدام جریان فیلمسازی؟»

نمایشگاه عکس «گُرد» در کرمانشاه

● **سارا نوری،**کرمانشاه:نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «گرد» ۲۵شهریور در کرمانشاه برگزار شد. این نمایشگاه با عنوان «گرد» از سوی گروه هنری «ژاوه» برای کمک به جنگ‌زدگان کوبانی و شنگال است. محسن رشیدی مدیر اجرایی این نمایشگاه، به «شرق» گفت: «این عکس‌ها مستندی در رابطه با قوم‌نگاری مردم کرد است و تمامی عولید حاصل از فروش عکس‌های نمایشگاه، به هلال احمر داده می‌شود تا به دست مردم جنگ‌زده کوبانی و شنگال برسد.» رشیدی ادامه داد: «در صورت حمایت مسوولان و فراهم‌بودن شرایط، گروه هنری «ژاوه» تمایل دارد در سراسر ایران نمایشگاههای با همین عنوان و برای کمک به این جنگ‌زدگان برگزار کند.» این نمایشگاه از ۲۶ تا ۳۱شهریور در دانشگاه علمی کاربردی واحد هنر در حال برگزاری است.

نمایشگاه ابراهیم حقیقی در مشهد

● **شرق:**نمایشگاه و کارگاه طراحی جلد ابراهیم حقیقی، ۲۷و ۲۸شهریور در مشهد برگزار می‌شود. ابراهیم حقیقی برای انجام سخنرانی و برپایی نمایشگاه طراحی جلد کتاب روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۷و ۲۸شهریور راهی مشهد می‌شود. در این نمایشگاه که در گالری سلطان‌علی مشهد برگزار می‌شود، آثاری از سعید باباوند و محراب اسدخانی به همراه آثار برگزیده هنرجویان دوره‌های قبل کارگاه‌های طراحی جلد‌کتاب به معرض نمایش گذاشته می‌شود.



علی خدایی نویسنده

با احمد بیگدلی به‌واسطه دوست عزیزم «ژاون فوکاسیان» در«جایزه ادبی اصفهان» آشنا شدم. احمد بیگدلی را بیشتر در خانه زاون و جلسه‌های داستان‌خوانی که آنجا برگزار می‌شد، می‌دیدم، به داستان‌های این جلسات علاقه‌مند بودم و داستان‌هایش را آنجا می‌خواند؛ آدم دوست‌داشتنی و قلمی بود، سبک زندگی می‌کرد، در همان سال‌ها در دهه ۸۰ بود که دخترش طی حادثه‌ای در مدرسه فوت کرد و احمد بعد از آن خمیده شد اما با ایمان قوی و عشقی که به ادبیات خورده بود، برنده‌شدن در مهم‌ترین جایزه ادبی نامش را سر زبان‌ها انداخت و در راه دآوری یک جایزه ادبی قلیش از حرکت ایستاد. احمد بیگدلی، فرزند عزیز و گوهر و نویسنده کتاب «اندکی سایه» که سال ۸۵ جایزه کتاب سال را گرفت، روز چهارشنبه ۲۶شهریور چشم از جهان فروست و خیرش در رسانه‌ها پرانکده شد؛ خبری که اگر درباره نویسنده دیگری منتشر می‌شد، تحملش برای خود بیگدلی سخت بود. او همین چندماه پیش برای درگذشت حمید مهرآرا، دوست قدیمی‌اش نوشت: «آیا خبر مرگ، خوشایندی دارد؟ برای بسیاری کسان گفتنش، دشوار است. نه آنهایی که عادت کرده‌اند و دل گفتنش را دارند. نه‌اینگه دلشان سخت باشد یا از جنس سنگ، نه. زبان سربی هم می‌تواند این دوکلمه را بگوید. برای من، تحملش آسان نیست. شنیدن خبر مرگ را می‌گویم»

بیگدلی آنچنان که پسرش گفته برای دآوری یک‌جشنواره ادبی به شهرکرد رفته بود که در اثر سکنه قلیی در گذشت. ناصر علی بیگدلی به اِستنا گفته: پدر روز سمنه (۲۵شهریور) برای دآوری مسابقه داستان‌نویسی عازم فرخ‌شهر شهرکرد شد و صبح امروز موقع رفتن از هتل به سمت فرهنگسرا قلیش درد گرفت. اورژانس هم آمده اما در مسیر بیمارستان دچار سکنه قلبی شد و از دنیا رفت.» بیگدلی چندین‌سال بود که ناراحتی قلبی داشت و حتی یکبار هم قلیش را عمل کرده بود. بیماری‌اش بعد از مرگ همسر تشدید شد. سکنیه بهارلویی، همسر احمد بیگدلی در تاریخ ۳۰تیر سال ۱۳۹۱ بر اثر سرطان کبد درگذشت و رفتن او برای احمد دردی سنگین بود. احمد پیش از آن

داشت این روزها را از سر گذراند. داستان، آرامش می‌کرد و به داستان‌هایی که او را به گذشته می‌برد عاطفه خاصی نشان می‌داد، آثار «محمدرحیم اخوت» و شعرهای «کیوان قَدرخواه» را خیلی دوست داشت و گاه داستان‌هایی می‌نوشت و به آنها تقدیم می‌کرد؛ مثلا به‌واسطه دوستی با زاون فوکاسیان داستانی درباره «کلیسای راهبه‌های ارمنی اصفهان» نوشت و به این شکل دوستی و محبتش را نشان می‌داد. احمد بیگدلی در زمینه آموزش داستان‌نویسی و نوشتن داستان به جوانان هم تلاش‌های زیادی کرد و در تربیت نگاه آنان به داستان موثر بود، مدت‌زمان زیادی کلاس‌های داستان‌نویسی داشت از جمله برای دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه

نیمه غایب «احمد»

سهر و دانشگاه‌های دیگری تدریس می‌کرد و به این طریق کمک می‌کرد تا داستان خوب و اصیل از داستان‌های به‌ظاهر خوب جدا شود؛ این اتفاق منتهای برآی علاقه‌مندان به ادبیات در اصفهان بود. احمد بیگدلی به سینما هم علاقه‌مند بود و در زمینه نقد سینمایی در کتاب‌ها و جشنواره‌هایی که در منطقه برگزار می‌شد، حضور داشت. در دو جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه که در دهه ۸۰ برگزار شد جزو هیأت داوران بود، ضمن اینکه نقد و مطلب می‌نوشت. نریشن‌های متعددی برای فیلم‌های مستند نوشت، حتی در یک فیلم مستند چندقسمتی هم حضوری پررنگ داشت. وقتی جایزه کتاب سال را دریافت کرد، فکر می‌کنم باعث خوشحالی اهالی

درگذشت احمد بیگدلی

قلب آقای نویسنده از حرکت باز ایستاد



عکس: حسن آشتیانی

شرکت نفت و طرفدار دکتر مصدق بود. در سال۱۳۴۷ بود؛ «او برای من رفیق بسیار خوبی بود و اصلا دوست ندارم بگویم همسرم بود. الان به‌شدت جایش خالی است؛ جلوم من بیایانی تهی و پشت‌سرم، خطرات گذشته او وجود دارد.» پیکر احمد بیگدلی ابتدا به بیمارستان امام‌علی(ع) فرخ‌شهر شهرکرد منتقل و سپس به بیمارستان قاطمه‌زهرای نجف‌آباد منتقل شد و امروز پنجشنبه، ۲۷شهریور در گلستان شهدای بزدانشهر نجف‌آباد اصفهان به خاک سپرده می‌شود.

بیگدلی، متولد ۲۶فروردین۱۳۲۴ در اهواز بود. پنج‌سال پس از تولد احمد، به‌دلیل استخدام پدرش در شرکت نفت به شهر آغاچاری (از شهرستان‌های استان خوزستان) مهاجرت کردند. عزیز یک‌کارگر سیاسی فعال

ادبیات شد که غیر از خاتم «ژویا پیرزاد» نویسنده دیگری هم ایسن جایزه را دریافت کرد، چون همه فکر می‌کردند طبق معمول جایزه ادبیات داستانی به کسی داده نمی‌شود. خیلی متفاوت زندگی می‌کرد و شاید به همین دلیل وقتی جایزه را گرفت پاسمد اجتماعی خاصی به‌وجود نیامد. کتاب «اندکی سایه» می‌توانست بحث‌برانگیز باشد و گفت‌وگو ایجاد کند ولی به نظرم نه‌تنها گفت‌وگویی در نگرفت بلکه همه‌چیز در سکوت برگزار شد. نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد؟ ما همیشه نمی‌ی احمد بیگدلی را می‌دیدیم؛ نمی‌خواهم چیز عجیب‌وغریبی از او بسازم ولی شاید همین کلمه قانع‌بودن بتواند کمی بیانگر احوالاتش باشد. آسان‌با اعتقادات قوی بود و علاقه زیادی به عرفان داشت. به کسی هم باج نمی‌داد و غموخار دوستانش بود.

ادبیات کشیده شد. بیگدلی داستان‌نویس، اما در سال۱۳۵۶ باورود به دانشکده هنرهای دراماتیک متولد شد. هرچند که این تحصیلات نیمه‌تمام ماند. در این زمان بود که با خیلی از جریان‌های ادبی و آثار نویسندگان شاخص آن زمان به‌طور جدی مشغول داستان‌نویسی شد. تعدادی از داستان‌هایش در روزنامه‌های آن زمان مثل اطلاعات، کیهان و آیندگان منتشر شد. مجموعه‌داستان «شبی بیرون از خانه» حاصل فعالیت‌های داستان‌نویسی وی در این دوران است که بعدها با افزودن یک داستان که در هنگام اقامت در بزدان‌شهر نوشته بود، سال۱۳۷۴ در اصفهان منتشر شد. احمد بیگدلی در سال۱۳۷۶ از آموزش‌وپرورش نجف‌آباد بازنشسته شد. مدتی در دانشگاه پیام‌پور این شهر کار کرد و همزمان با تدریس فیلم‌نامه‌نویسی در انجمن سینمای جوانان نجف‌آباد (به‌مدت ۱۲سال) در مراکز خصوصی اصفهان به تدریس پرداخت. کتاب‌های «شبی بیرون از خانه»، «من ویران شدم»، «اندکی سایه»، «آبای باغسب» و «آوی نهنگ»، «زمانی برای پنهان شدن» و «مگر چراغی بسوزد» از جمله آثار این نویسنده‌اند. نوشتن «اندکی سایه» که در سال۱۳۸۴ توسط انتشارات خجسته منتشر شد، باعث شناخته‌شدن احمد بیگدلی شد. این کتاب بعد از «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» توانست جایزه کتاب سال را دریافت کند. دریافت این جایزه از سوی منتقدان با برداشت‌های متفاوتی روبه‌رو شد. «ارافتن روی طناب» کتابی سه‌جلدی است که احمد بیگدلی پس از مرگ همسرش شروع به نوشتن آن کرد و به گفته خودش قهرمان اصلی این اثر همسر اوست، ولی نام او و سایر شخصیت‌های داستان از جمله خودش را در اثر تغییر داده است.

چهره روز

«یوسا» بار دیگر به تئاتر می‌رود



● **شرق:** ماریو بارگاس یوسا بار دیگر به تئاتر رفته. این بار اما حضور او در تئاتر به‌واسطه نمایشنامه‌ای است که از داستان «احق‌ها روی بالکن» اقتباس شده. به گزارش ایسنا «احق‌ها روی بالکن» اثری از ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پرویی برنده نوبل ادبیات است که اقتباسی از آن روی صحنه تئاتر رفت. نمایشنامه «احق‌ها روی بالکن» سومین اثر از ماریو بارگاس یوساست که از سشنه، ۲۵شهریور به زبان اسپانیولی روی صحنه تئاتر رفته است. این اثر ایده‌آلیستی و آرمانشهری درباره تلاش‌های دن کیشوت‌وار شخصیتی به نام «آلمو برولنی» برای نجات بالکن‌های شهر لیما در دهه ۱۹۵۰ میلادی است. خالق «سور بُز» این شخصیت را با الهام از استاد هنر ایتالیایی خود در دانشگاه آفریده است. «خوزه ساکریستال» هنرپیشه‌ای است که نقش اصلی «برولنی» را در اثر یوسا ایفا می‌کند. این نویسنده پیش از این نیز متنی براساس داستان‌های «هزارویک‌شب» برای تئاتر نوشته بود که در نوشتن این کتاب از منابع دست اول فارسی، هندی و عربی استفاده کرد. او در این کتاب از برخی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین داستان‌های «هزارویک‌شب» از جمله «علاءالدین و چراغ‌جادو»، «علی‌بابا و چهل‌دزد بغداد» و «سفرهای هفتگانه سندباد بحری» بهره برده بود. یوسا همچنین در تئاتر «هزارویک‌شب» که در سال۲۰۱۱ در مکزیک به روی صحنه رفته بود، نقش شه‌ریار را بازی کرد. کارگردانی این نمایش را لوئیس یوسا، پسردای ماریو بارگاس یوسا بر عهده داشت. خورخه ماریو پدرو بارگاس یوسا، زاده ۲۸مارس۱۹۳۶ داستان‌نویس، مقاله‌نویس، سیاستمدار و روزنامه‌نگار پرویی است که در ایران هم طرفداران زیادی دارد.

تصحیح و پوزش

● در مطلب روز ۲۵مرداد با عنوان «از زنده‌یاد سیدقدیم‌یار حسینی تجلیل شده»، به‌اشتباه عنوان شده بود که علی‌اکبر مرادی از شاگردان این استاد موسیقی است که به‌این‌وسيله این موضوع تصحیح و از مخاطبان گرامی و ایشان پوزش می‌خواهیم.

خیلی خیلی احتیاط کنید

تنها کودکانِ باکیف و لوازم التحریر به مدرسه می روند



دفتر مرکزی تهران: شهرک غرب (قدس)، بلوار فرحزادی

نرسیده به چهار راه دریا، کوچه صفا، پلاک ۷۳

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۸۸۹۹۹ / ۸۸۵۶۱۸۳۶-۹

www.Darolekram.com

sms :100001288



موسسه فرهنگی دارالاکرام
حمایت از تحصیل کودکان و نوجوانان

شماره ثبت: ۱۳۵۴۲ تأسیس: ۱۳۸۰